



# بولتن کارگری

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)



بازنشستگان در تجمعات یکشنبه های اعتراضی  
عکس: کانال تلگرامی گروه اتحاد بازنشستگان

## فهرست

۳ ..... مقدمه

۴ ..... من یک زنم ... من خود کارگر! من خود بزرگر! (مرضیه احمدی اسکویی)

۵ ..... آمار خود کشی کارگران رو به افزایش است (رضا کاویانی)

۹ ..... عزاداری نکنید! متشکل شوید! (نرگس)

۱۲ ..... طبقه و دولت (فرخ نعمت پور)

۱۴ ..... برنامه دولت بایدن برای مقابله با استثمار کودکان کارگر مهاجر (هانا درایر)

۱۸ ..... خواب وحشتناک (فرخ نعمت پور)

۲۰ ..... بخش بین الملل بولتن کارگری:

Development in the organized struggles of Iranian labor forces (Narges & Meysam Al-Mehdi)	P. 20
Entwicklung der organisierten Kämpfe der Arbeitskraft im Iran (Narges & Meysam Al-Mehdi)	P. 24
Evolution des luttes organisées des forces de travail en Iran (Narges & Meysam Al-Mehdi)	P. 28



تجمع یازدهمین استان کرمانشاه، مقابل استانداری کرمانشاه  
عکس برگرفته از کانال شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

خوانندگان گرامی:

شماره ۲۵۱ بولتن کارگری ویژه سال نو ۱۴۰۲ خورشیدی با شعر و موسیقی و داستان منتشر میشود. با شعری به یاد ماندنی از رفیق مرضیه احمدی اسکویی، مقاله ای الهام بخش در باره موسیقی اعتراضی اتحادیه کارگران صنعتی جهان و داستانی کوتاه از رویای پست مدرن عبور از کوره راههای سخت با کولهباری سنگین، نوشته فرخ نعمت پور. بولتن همچنین شامل مقالاتی است در باره طبقه و دولت، آسیب های روانی کارگران، استثمار کودکان مهاجر کارگر در امریکا، و یک بخش بین الملل.

بولتن کارگری شماره ۲۵۱ در حالی منتشر میشود که جنبش زن، زندگی، آزادی ششمین ماه حضور مبارزاتی خود را از سر گذرانده است. در این شش ماه مجموعه نیروهای کار ایران، کارگران، معلمان، زحمتکشان و بازنشستگان، در اعتراضات خیابانی، در محل های کار، و در مقابل ادارات دولتی خواست های خود را مطرح کرده اند.

مجموعه تصاویر زیر که برگزیده از کانالهای مجازی، اتحادیه ها و دیگر تشکلات نیروهای کار ایران هستند، رؤس خواست های عاجل معترضان را منعکس میکنند. از جمله این خواست ها امنیت و آزادی معترضین و فعالان کارگری، پرداخت حقوق معوقه کارگران همراه با عیدی و پاداش است. همسان سازی حقوق بازنشستگان، تعیین حد اقل مزد برای سال ۱۴۰۲ و افزایش سطح دستمزد به موازات رشد تورم و نیز بازگشت کارگران اخراج شده به کارخانه ها از دیگر خواست های معترضان است.

با درود،  
بولتن کارگری





## به مناسبت روز جهانی زن

من یک زنم ...  
من خود کارگر!  
من خود برزگر!

افتخار: شعر از مرضیه احمدی اسکویی



به حرکت درمی آورد  
هر روز توانایی اش را  
دندانه های چرخ ریزریز می کند  
پیش چشمان اش  
زنی  
که از عصاره ی جان اش  
پرورتر می شود لاشه ی خوانخوار  
از تباهی خون اش  
افزونتر می شود سود سرمایه دار  
زنی که مترادف مفهوم اش  
در هیچ جای فرهنگ ننگ آلود شما  
وجود ندارد  
دست هایش سفید  
قامت اش ظریف  
که پوستش لطیف  
و گیسوان اش عطرآگین باشد

افتخار  
من یک زنم  
من از ویرانه های دور شرقم  
زنی که از آغاز با پای برهنه  
عطش تند زمین را در پی قطره ای آب  
درنوردیده است  
زنی که از آغاز با پای برهنه  
همراه با گاو لاغرش در خرمن گاه  
از طلوع تا غروب  
از شام تا بام، سنگینی رنج را لمس کرده است  
من یک زن ام  
از ایلات آواره ی دشت ها و کوه ها  
زنی که کودک اش را در کوه به دنیا می  
آورد  
و بزاش را در پهنه ی دشت از دست میدهد  
و به عزا می نشیند

زنی که پوست اش  
آبینه ی آفتاب کویر است  
و گیسوانش بوی دود می دهد  
تمام قامت من  
نقش رنج و  
پیکرم تجسم کینه است  
زنی که دستانش را کار  
برای سلاح پروده است.

من زنی آزاده ام  
زنی که از آغاز  
پابه پای رفیق و برادرم  
دشت ها را درنوردیده است  
زنی که پرورده است  
بازوی نیرومند کارگر  
دستان نیرومند برزگر  
من خود کارگر!  
من خود برزگر!

من یک زنم  
با دست هایی که از تیغ تیز درد و رنج ها  
زخم ها دارد  
زنی که قامت اش از نهایت بی شرمی شما  
در زیر کار توان فرسا  
آسان شکسته است  
زنی که در سینه اش  
دلی آکنده از زخم های چرکین خشم است  
زنی که در چشمان اش  
انعکاس گل رنگ گلوله های آزادی  
موج می زند

من یک زن ام  
زنی که مترادف مفهوم اش  
در هیچ جای فرهنگ ننگ آلود شما  
وجود ندارد

من مادرم  
من خواهرم  
من همسری صادقم  
من یک زنم  
زنی از ده کوره های مرده ی جنوب  
زنی که از آغاز با پای برهنه  
سراسر این خاک تب کرده را  
درنوردیده است  
من از روستاهای کوچک شمالم  
زنی که از آغاز در شالیزارها و مزارع  
تا نهایت توان گام زده است

من یک زنم  
کارگری که دست هایش  
ماشین عظیم کارخانه را

## آمار خود کشی کارگران رو به افزایش است رضا کاویانی

خودکشی کارگران اغلب ریشه در از دست دادن کار و موقعیت شغلی دارد که منجر به ناراحتی روحی و قطع امید به آینده و تامين هزینه های زندگی خود و خانواده شان می گردد. در همین ارتباط میزان خودکشی کارگران، آمار بزرگی را در فهرست پژوهشهای اجتماعی به خود اختصاص می دهد. در واقع پایه اصلی بحران های اجتماعی و سرخوردگی های افراد جامعه، ناشی از شوک های اقتصادی است که بر مجموعه های خرد و کلان اثر گذار است و به اشکال مختلف بروز پیدا می کند. بحران های اجتماعی ناشی از رانت و سوء مدیریت که امروز، جامعه ما را در کام خود فرو برده و عوارض جبران ناپذیری از خود به جا گذاشته و منجر به آن شده است که بیش از ۶۲ درصد مردم کشور زیر خط فقر مطلق زندگی کنند. نا گفته نماند که بیشترین سهم ارقام آماری این مشکل اجتماعی متعلق به دختران و زنان است که نشانگر تشدید روز افزون فشار و بی عدالتی و تبعیض ها علیه آن ها می باشد.

روزنامه اعتماد روز ۱۱ مرداد در گزارشی، با استناد به اخبار موجود نوشت که از ابتدای خرداد تا نهم مرداد ۱۴۰۱، هشت کارگر در شهرهای مختلف ایران در اعتراض به مشکلات معیشتی، اخراج، تعدیل و بلا تکلیفی شغلی، اقدام به خودکشی کرده اند. خبرگزاری ایلنا نیز روز پنجشنبه، ۲۷ مرداد، در گزارشی، آمار تکمیلی خودکشی کارگران را منتشر کرد و نوشت که روز ۱۸ مرداد هم دو کارگر در شهرستان چوار استان ایلام به دلیل مشکلات اقتصادی خودکشی کرده اند. اگرچه مشکلات اقتصادی دلیل موجهی برای اقدام به خودکشی نیست، خودکشی ۱۰ کارگر در فاصله کمتر از سه ماه، اوج فشارهای مالی بر اقشار آسیب پذیر جامعه ایران را آشکار می کند. در شرایط فعلی، بسیاری از کارگران به دلیل نبود کار دائمی، به کارهای فصلی و غیررسمی روی می آورند که در آنها از بیمه و تضمین های شغلی خبری نیست، دولت بر این مشاغل نظارتی ندارد و کارگران در ازاء دستمزد کمتر، کار بیشتری انجام میدهند و به دلیل فقدان ایمنی در محیط کار دچار حوادثی میشوند که گاهی حتی به مرگ آنان میانجامد.

به گزارش ایلنا، در مردادماه، آمار حوادث کار و مرگ های ناشی از آن به شدت افزایش یافته است؛ دوم مرداد، دو رفتگر شهرداری رشت حین کار بر اثر تصادف یک خودرو سواری با خودرو حمل زباله دچار حادثه شدند که یکی از آنها جان باخت و دیگری به بیمارستان منتقل شد. در همان روز، یکی از کارگران مجتمع کشت و صنعت و دامپروری مغان استان اردبیل هنگام تعمیر ماشین «چاپر نرت» دچار حادثه شد و جان باخت. چهارم مرداد، دو کارگر یک شرکت حفاری چاه بر اثر ریزش ناگهانی دیواره های دو چاه آب واقع در منطقه «میان گلال» خرم آباد دچار حادثه شدند و جان باختند. پنجم مرداد، یک مغنی در روستای حسین آباد همدان هنگام تمیز کردن «توری کفکش موتور چاه» دچار گاز گرفتگی شد و جان خود را از دست داد. هفتم مرداد، کارگر جوانی که در حال حفر چاه در روستای کپچوان شرق اصفهان بود، بر اثر سقوط در چاه، جان خود را از دست داد. در همان روز، یک کارگر اداره مخابرات روستای زرین آباد نیز حین کار، بر اثر سقوط از تیرک جان باخت.

به گزارش رسانه های داخل ایران طی فاصله زمانی ۷۰ روز سال جاری تعداد خودکشی ها سیر صعودی داشته است که این ناشی از مشکلات معیشتی است و نشانگر بحرانی که جامعه را در بر گرفته است.

در فاصله هشتم تا دهم مرداد، دو کارگر اداره برق اصفهان و رشت بر اثر دو حادثه کار جداگانه فوت کردند. یازدهم مرداد بار دیگر، در دو حادثه مجزا، دو کارگر ساختمانی در یاسوج حین کار بر اثر برق گرفتگی کشته و زخمی شدند. چهاردهم مرداد، چهار کارگر یک واحد تولیدی در روستای قمصر باقر شهر تهران بر اثر استنشاق گاز در حوضچه ضایعات پلاستیک جان خود را از دست دادند. پانزدهم مرداد نیز یک کارگر شاغل در منطقه نفتی بهرگان بر اثر سانحه رانندگی جان باخت. شب هفدهم مرداد، ترکیدگی لوله به مرگ یک کارگر و مجروح شدن شش کارگر دیگر در یک واحد کشتارگاه طیور در صالح آباد همدان منجر شد. نوزدهم مرداد، گاز گرفتگی مرگ سه کشاورز در عمق چاهی در روستای «منگاو» شهرستان ملایر را رقم زد. ۲۱ مرداد، یک کارگر شاگرد بولدوزر معدن طلای آق دره شهرستان تکاب که بر اثر برخورد با بیل لودر به شدت زخمی شده بود، در بیمارستان درگذشت. دلخراش ترین حادثه در روز بیست و یکم مرداد رخ داد؛ وقتی آتش سوزی دو مخزن قیر در یک کارگاه ذوب قیر در اسلامشهر به مرگ یک کارگر ۱۸ ساله منجر شد. این دو مخزن ذوب قیر دچار آتش سوزی شدند و این آتش به حوضچه های قیر مجاور سرایت کرد؛ آتش نشانی بعد از اطفاء حریق، متوجه شد جسد یک جوان ۱۸ ساله در حوضچه قیر داغ مایع شناور است. البته اینها تمام حوادث منجر به فوت کارگران در بازه زمانی اول تا ۲۱ مرداد نیستند، زیرا برخی از حوادث کار که در کارگاه های دور افتاده و دور از نظارت رخ می دهند، اعلام نمی شوند.

احسان سهرابی، فعال کارگری، در همین رابطه نامه ای به رئیس قوه قضاییه نوشت و درخواست کرد که در این اوضاع بغرنج، معاونت پیشگیری از جرم این قوه برای حمایت از جان کارگران اقدام کند. به گفته او، بیشتر حوادث منجر به فوت در کارگاه های کوچک و فاقد ایمنی رخ می دهند؛ همان مناطقی که بازرسان ایمنی به ندرت گذرشان به آنها می افتد. در این شرایط، باید به جنبه عمومی جرم بیشتر توجه شود و اینجا است که معاونت پیشگیری از جرم قوه قضاییه می تواند و باید، وارد عمل شود.

از قربانیان حوادث کار در ایران آمار دقیقی وجود ندارد اما علی حسین رعیتی فرد، معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اردیبهشت ۱۴۰۱، گفت که سالانه حدود ۸۰۰ کارگر بر اثر حوادث ناشی از کار فوت می کنند. علاوه بر آمار که او اعلام کرد، شماری از کارگران نیز در اثر حوادث ناشی از کار آسیب می بینند و برخی تا پایان عمر خانه نشین میشوند. این افراد از آنجا که سرپرست خانوار و جزو اقشار فقیر جامعه اند، برای تامین مخارج زندگی خانواده خود با تنگناهای زیادی روبرو میشوند؛ در حالی که بیمه ندارند و از آنها حمایت نمیشود.

فواد کیخسروی، عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، در مصاحبه ای با ایندپندنت فارسی در باره دلایل افزایش آمار خودکشی کارگران در ایران گفت: بحران عمیق معیشتی در ایران، آمار خودکشی در میان کارگران را حتی در میان کودکان کار با گروه سنی ۱۰ سال، بالا برده است. بنا بر آمار رسمی، در سال گذشته ۸۰۰ نفر از کارگران خودکشی کرده اند. او گفت البته آمار غیر رسمی، بسیار بیشتر از این است. کارفرمایان جز به افزایش سود و منافع خودشان نمی اندیشند و در قبال عوارض ناشی از نا امنی محیط کار برای کارگران و آسیبهای ناشی از آن مسئولیتی احساس نمی کنند و به همین دلیل حاضر به پرداخت هزینه ای هم برای ایمن سازی محیط کار نیستند؛ این در حالی است که فضای ایمنی محیط کار در کارخانه ها و ادارات ایران با استانداردهای جهانی فاصله زیادی دارند. البته بزرگترین کار فرمای ایران خود دولت است و از شرایط نا امنی که برای کارگران و کارکنان به وجود آورده به خوبی با خبر است.

خانم بنفشه سام گیس گزارشی در باره خودکشی کارگران در سال ۱۴۰۱ را در "اعتماد" انتشار داده است که نشان می دهد از ابتدای امسال تا ۸ دی ماه و طی ۲۸۳ روز، ۲۳ کارگر ساکن یا شاغل در استان های مختلف کشور به دلیل فقر، مطالبات معوقه، اخراجهای ناشی از تعدیل خودکشی کرده اند که صرف نظر از تاریخ تقویمی ثبت خودکشی ها، به طور میانگین هر ۱۲ روز، یک کارگر برای پایان دادن به زندگی خود اقدام کرده است که این آمار دولتی می تواند تنها نشانی از نوک قله یک کوه یخ باشد. خانم سام گیس از قول یک کولبر گزارش داده است: هر وقت آمار کشته شدگان کولبران که با شلیک مستقیم جان می دهند بالا می رود، آمار سرقت نیز در شهرها افزایش می یابد.

سید حسین موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران، در گفت و گو با "اعتماد" علت خودکشی کارگران و نان آوران قشر نیازمند جامعه را این طور تحلیل می نماید: «آمارهای موجود، مولود بحران های مختلف در چند سال اخیر هستند، چون خودکشی یک پدیده چند وجهی است. بخشی از بحران های چند سال اخیر در جامعه ایران، اقتصادی بود. تأثیر شیوع کرونا و طولانی شدن دوره اپیدمی بیماری و تغییر سبک زندگی و بیکاری هایی که به دنبال تعطیلی مشاغل ایجاد شد و فشارهای اقتصادی متعاقبش و البته تأثیر تحریم ها را نباید نادیده بگیریم، اگرچه معتقدم دلیل اصلی مشکلات اقتصادی کشور، ناشی از سوء مدیریت هاست و امروز هم البته مشکلات اقتصادی بیشتر شده اند. بحران هایی مثل سیل و زلزله هم تأثیرات خود را گذاشت و حالا هم با اوضاع و اتفاقات امروز کشور مواجهیم.

طبق قانون اساسی، آموزش و درمان برای مردم باید رایگان باشد در حالیکه هزینه های درمان، کمر مردم را شکسته. امروز شاهدیم که تا چه حد میزان مصرف پروتئین و کالری دریافتی مردم کم شده و از آن طرف آمار سوء تغذیه افزایش داشته و خرید اجناس دست دوم هم رونق پیدا کرده که مجموع این کاهش ها و افزایش ها نشانه افزایش فقر است. در چنین شرایطی، مردم دیگر حواسشان به همسایه دیوار به دیوار نیست چون مسئولیت اجتماعی هم مثل گذشته نیست در حالی که پشتوانه هایی از این دست، علاوه بر ایجاد اعتماد به نفس، کمک می کند مسیر سخت و بحران را امیدوارانه تر طی کنیم. وقتی مراودات افزایش داشته باشد، مراقبت ها هم بیشتر می شود و فقر باعث کاهش مراودات می شود. امروز افرادی که به دیگران کمک می کردند، اغلب سر در لاک فرو برده اند و مردم هم در خرج روزانه شان مانده اند. اعدادی که امروز درباره خودکشی کارگران می شنویم، نتیجه لحظه و آن نیست. رخدادهای علوم اجتماعی معمولاً تدریجی است. نتایج پژوهش هایی که در دهه ۱۳۹۰ انجام شد به ما میگفت که باید منتظر «چنین اتفاقاتی و از جمله افزایش خودکشی اقشار آسیب پذیر باشیم»

به گزارش منابع دولتی میزان خط فقر بیش از ۶۲ درصد مردم را در خود فرو برده است و این در حالی است که تا کنون هیچ نهادی مسئولیت این همه فقر و فلاکت در کشور را که مستقیماً ارتباطی تنگاتنگ در مدیریت اداره کشور دارد پاسخگو نشده است. در واقع با اجرای سیاست های رانته و انحلال کارخانه های تولیدی و بیکاری هزاران نفر کارگر و کارمند آسیب های جدی و جبران ناپذیری به چرخه تولیدی کشور وارد آورده و اقتصاد کشور را به فلاکت رسانده اند.

به گزارش عصر ایران خودکشی کارگران مینای مزدی دارد. ایران به کنوانسیون های منع آزار روانی کار و سایر مقوله نامه های امنیت روانی کار نپیوسته است. شاید بتوان گفت تشکل ها و نهادهای کارگری در ایران نیز نسبت به مقوله خودکشی کارگران کم توجه بوده اند. در این میان البته برخی فعالان کارگری نسبت به این مسئله دغدغه بیشتری دارند. محمد حمزه ای، معاون امور بین الملل خانه کارگر با بیان این مطلب که در زمینه مقابله با پدیده خودکشی در میان کارگران هنوز اقدام جدی صورت نگرفته است، اظهار کرد: "به نظر می رسد ما در ایران نسبت به مقوله

نامه‌ها و کنوانسیون‌های مطرح سازمان جهانی کار که تضمین‌کننده کار شایسته و امنیت روانی نیروی کار است، بی توجه بوده‌ایم."

وی با اشاره به کنوانسیون ۱۹۰ سازمان جهانی کار گفت این مقوله نامه بر رسالت دولت‌ها و نهادهای عمومی و دولتی در زمینه کاهش خشونت موثر و آزار در محیط کار تاکید دارد. "متأسفانه ایران به دلایل مختلفی هنوز به این کنوانسیون نپیوسته است." براساس این کنوانسیون، هرگونه آزار و اذیت جسمی و روحی و جنسی کارگران در محیط کار توسط مدیران، کارفرمایان و حتی کارگران و کارمندان رده بالاتر نسبت به فرودست باید با برخورد جدی مواجه شوند. البته تعریف خشونت و آزار در فرهنگ و روابط مردم مغرب زمین گسترده تر و استاندارد تر است و حتی آزار کلامی و لحن آزار دهنده نیز از موارد قابل پیگرد حقوقی محسوب می‌شود.

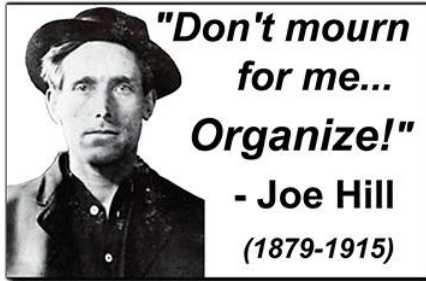
حمزه‌ای با بیان اینکه مسئله خشونت کلامی و آزار در روابط محیط کار در ایران وجود دارد، اضافه کرد: واقعیت این است که کلیه مقوله نامه‌های سازمان جهانی کار در ذات خود ضامن امری به نام «کار شایسته» هستند. کار شایسته اشاره به آن دارد که علاوه بر بهره‌مندی نیروی کار از حقوق مالی قابل اعتنا که با آن بتواند امرار معاش کند، باید کرامت انسانی و شرافت وی نیز حفظ شود و امنیت روحی و روانی آن نیز پاس داشته شود. تمامی ۸ مقوله نامه بنیادین سازمان جهانی کار بر این مسئله تاکید دارند.

معاون امور بین الملل خانه کارگر با تاکید بر این مسئله که ریشه اصلی تمایل به خودکشی در واحدهای مختلف و میان کارگران ایرانی بحث مزدی و امنیت شغلی است، اضافه کرد: حداقل دستمزد مسئله‌ای مهم در سراسر جهان است و عدم رعایت اصول آن و عدم پرداخت آن در کنار فقدان ثبات و امنیت شغلی، روان هر انسانی را در جایگاه نیروی کار با این شرایط معیشتی آزار می‌دهد. لذا یکی از مهمترین راهکارها برای کاهش آمار اقدام به خودکشی در میان کارگرانی که چشم‌اندازی برای آینده خود نمی‌بینند، تلاش دولت و کارفرما برای بهبود وضعیت حقوقی و قراردادی کارگران است.

وی با تاکید بر اینکه ایران باید به مقوله نامه های مندرج در این زمینه در سازمان جهانی کار بپیوندد، تصریح کرد: از همان سال ۱۹۴۴ میلادی که روی ستون‌های کنوانسیون‌های اساسی و بنیادین کار، تشکلی مانند سازمان جهانی کار شکل گرفت، این اصول اساسی و بنیادین مورد توجه قرار گرفت که کارگر یک کالا نیست و همه انسانها اعم از کارگر و غیر کارگر از نظر جایگاه انسانی برابر بوده و شان و کرامت انسانی آنها حفظ شود، مسئله حفظ بهداشت روانی نیروی کار به یکی از مسائل مورد توجه در تشکلهای منطقه‌ای و جهانی کارگری بدل شده و در ایران نیز باید در این زمینه بیشتر فعالیت صورت بگیرد.



## عزاداری نکنید! متشکل شوید! نرگس



جمله بالا رهنمود با ارزش جو هیل (۱)، یکی از فعالان اتحادیه کارگران صنعتی جهان (۲) (IWW) و آهنگساز و ترانه سرای سوئدی-آمریکایی است. ترانه های جو هیل، از جمله ترانه «واعظ و برده» و «قدرت در اتحاد است» از مشهورترین نمونه های سرود های سیاسی و کارگری آمریکا هستند. این ترانه ها اصطلاحات و مفاهیم مبارزاتی زمان خود را همگانی کردند و بیش از یک قرن است که راهنمای جنبش کارگری و سوسیالیستی آمریکا هستند.

جو هیل در سال ۱۹۰۲ در سن ۲۳ سالگی به آمریکا مهاجرت کرد و از همان آغاز به عنوان کارگر موقت و دوره گرد مشغول کار شد. او وقتی که به عنوان کارگر باربر در بنادر کالیفرنیا کار میکرد به عضویت در اتحادیه کارگران صنعتی جهان در آمد.



اتحادیه کارگران صنعتی جهان (IWW) در سال ۱۹۰۴، دو سال بعد از مهاجرت هیل به آمریکا، در شهر شیکاگو شروع به فعالیت کرده بود. هیل در مقام عضو تشکیلات این اتحادیه، به سراسر آمریکا سفر کرد و با خواندن ترانه های کارگری که خودش نوشته بود و سخنرانی های پرشور، نماینده و مبلغ موفقی برای اتحادیه کارگران صنعتی جهان شد. به این شکل او سنتی از ادغام موسیقی و کنش گری چپ سوسیالیستی بنا کرد که بعد ها توسط نوازندگان و فعالان کارگری آمریکا، از جمله وودی گاتری و پیت سیگر (۳) در سالهای ۱۹۳۰ و پس از آن، ادامه یافت. نوع موسیقی که توسط جو هیل در اوایل قرن ۲۰ میلادی در آمریکا پا گرفت در دهه های ۶۰ و ۷۰

میلادی به موفقیت جهانی و تجاری رسید و به این صورت مبلغ مطالبات اتحادیه های کارگری و خواست های صلح طلبانه نیروهای چپ آمریکایی در سراسر جهان شد. در این سنت که کماکان ادامه دارد، از موسیقی مردمی (۴) اروپای غربی و آمریکا برای تولید ترانه های جدید با هدف مطرح کردن مسائل کارگران و زحمت کشان و حمایت از مبارزات حق طلبانه استفاده میشود.

امروزه اتحادیه کارگران صنعتی جهان (IWW) کماکان به عنوان یکی از مترقی ترین نهاد های کارگری آمریکا مطرح است و به نام خودمانی و دوستانه «وابلی» (wobbly) مشهور است. تاریخ و سنت های وابلی ها از جمله شامل بدعت گذاری آنها در استفاده از موسیقی مردمی و تولید لغات خودمانی رایج در بین اعضا اتحادیه های کارگری، و مفاهیم و راهبرد هایی است که کماکان مورد استفاده تشکل های کارگری است. از جمله اعضا معاصر

این اتحادیه متزقی، که کماکان به تاریخ پر آوازه سازمانشان میباند، میتوان از متفکر و زبان شناس امریکایی، نوام چامسکی نام برد.

در سال ۱۹۱۵، زمانی که هیل در معدنی در شهر پارک سیتی در ایالت یوتا (۵) کار میکرد به نا حق متهم به قتل جان موریسون و پسرش آرلینگ (۶) که صاحبان یک مغازه خواربار فروشی بودند، شد. موضوع این اتهام و محاکمه جو هیل به سرعت مورد توجه فعالان کارگری و سوسیالیست های امریکا قرار گرفت. هیل این اتهام را رد کرده بود ولی امکان ارائه مدارک لازم برای رد اتهامات را نداشت. مدارک موجود متأسفانه بر علیه او بودند. روزنامه های کارگری و سوسیالیست آن زمان از جو حمایت کردند و او را یک کارگر مهاجر، قربانی طبقه سرمایه دار امریکا، و فدائی مبارزات کارگری معرفی کردند. ولی دادگاه عالی ایالت یوتا، علی رقم فعالیت های رفقاییش، از تخفیف مجازات جو خود داری کرد. جو هیل در ۱۹ نوامبر سال ۱۹۱۵، زمانی که فقط ۳۶ سال داشت و در اوج خلاقیت هنری و مبارزاتی خود بود، در زندان شهر سالت-لیک سیتی ایالت یوتا (۷) تیر باران شد. مرگ او زخمی دل خراش بر بدنه جنبش کارگری و یاد او و آثارش در تاریخ مبارزات کارگری امریکا مانا شد.

در نامه ای که جو هیل قبل از مرگش برای بیل هیوارد (۸)، از رهبران و پایه گزاران اتحادیه کارگران صنعتی جهان، از طریق یک تلگرام فرستاد، نوشت: «خدا حافظ بیل. من همانند یک یاغی حقیقی و آبی (۹) میمیرم. وقتت را بابت عزاداری برای من تلف نکن!» او در ادامه تقاضا کرد «ترتیبی دهید که جسد من را برای دفن به خارج خط ایالتی ببرند. من نمیخواهم حتی مرده ام در یوتا بماند.»



از همان زمان عبارت «عزا داری نکنید، متحد شوید!» در یادبود مرگ جو هیل و دیگر کارگران مبارز و هر زمان که جنبش کارگری در شرایط سخت قرار گرفته، مرسوم شد.

عکس مقابل طرح روی جلد مجموعه ای از ترانه های مرتبط با جنبش کارگری است که در آنها از عبارت «عزا داری نکنید، متحد شوید!» و نام جو هیل استفاده شده. این مجموعه که از طرف سازمان غیر انتفاعی اسمیتسونین/فولکویز (۱۰) در امتداد قرن بیستم ضبط، جمع آوری و پخش شده نمونه ای است از انواع موسیقی هایی که کماکان، بعد از گذشت بیش از یک قرن، از طرف سازمانهای چپ و کارگری امریکا در اعتصابات و برنامه های تشکیلاتی شان استفاده میشوند.

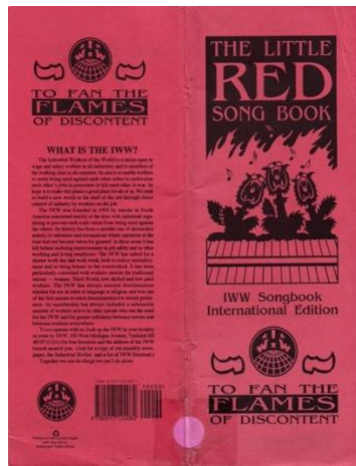
مجموعه سرودهای کارگری که به نام «کتاب کوچک ترانه های سرخ» (۱۱) اولین بار در سال ۱۹۰۹ توسط وابلی ها منتشر شد، ترانه ها و سرود های اتحادیه کارگران صنعتی جهان را در اختیار مبارزان کارگری و موسیقی دانان نسل های بعدی قرار میدهد. این مجموعه که نامش بازی با عنوان «کتاب کوچک سرخ» مائو تسه تونگ است، نام و آثار جو هیل را زنده نگه داشته و پیام مشهور مبارزاتی او را به نسل های بعدی منتقل میکند.

سروده های متأثر از موسیقی، گفتار و شخصیت جو هیل، با اجرای خوانندگان سرشناس موسیقی مردمی امریکا و انگلیس، از جمله پال روبسون، پیت سیگر، جون بایز و بیلی برگ، منتشر شده و در دسترس علاقمندان هستند. باز خوانی این ترانه ها توسط مبارزان کارگری و چپ، از جمله گروه خوانندگان اتحادیه کارگران صنعتی جهان، و

گروه کر سازمان سوسیالیست های دمکراتیک امریکا (۱۲) کماکان در روزهای سخت سرکوب و شکست های موقتی، همدم و الهام بخش مبارزان چپ اند.

## زیر نویس:

۱. Joe Hill مشهور به Joel Emmanuel Hägglund
۲. Industrial Workers of the World
۳. Pete Seeger & Woody Guthrie
۴. Folk Music
۵. Park City, Utah
۶. John and Arling Morrison
۷. Salt Lake City, Utah
۸. Bill Hayward
۹. در امریکا کارگران صنعتی به یقه آبی ها و نیرو های کار در دفاتر و اداره جات به یقه سفیدها مشهورند. کلمه آبی در نوشته جو هیل اشاره به هویت او به عنوان یک کارگر صنعتی دارد.
۱۰. Smithsonian Folkways
۱۱. The Little Red Songbook
۱۲. Democratic Socialists of America



پروژه تاریخ اتحادیه کارگران صنعتی جهان (IWW) <https://depts.washington.edu/iww/>

Ronald Cohen. 2012. Woody Guthrie: Writing America's Songs.

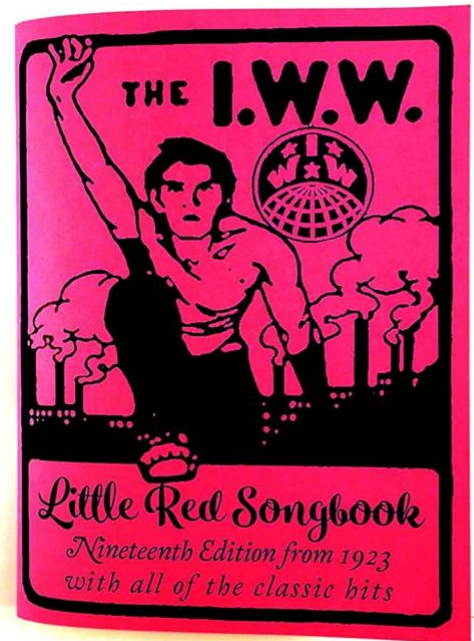
Gary Blanchard. 2014. The Little Red Songbook: A Brief History of the Wobblies and Their Music.

Howard Zinn. 2005. A people's History Of the United States: 1492 to Present.

<https://www.historyisaweapon.com/zinnapeopleshistory.html>

Industrial Workers of the World. (IWW) اتحادیه کارگران صنعتی جهان <https://www.iww.org>

## منابع:



## طبقه و دولت

فرخ نعمت پور

با ورود به قرن بیست و یکم به نظر می‌رسد نقش دولتها علیرغم پدیده جهانی شدن، در نظم بخشی به مسائل داخلی خود نه تنها تضعیف نشده، بلکه افزایش هم یافته و دولت به عنوان مهمترین عامل سمت و سو دهنده در پهنای جغرافیائی - سیاسی کشورها نقش اساسی را بازی می‌کند. البته این پدیده در قرن بیستم توسط میشل فوکو توصیف و پیش بینی شده بود. فوکو میگفت که قدرت در دولت مدرن از تلاش برای کنترل جسم انسانها به منظور بازتولید اتوریته خود، به نظم و دیسیپلین بخشی به طریقی دیگر فرا می‌رود که در آن قدرت در تک تک انسانها درونی شده و به این ترتیب دیگر نیاز چندانی به کنترل بیرونی مشاهده نمی‌شود. هر چند کارآیی چنین پدیده‌ای در کشورها به نسبت پیشرفت آنها می‌تواند متفاوت باشد.

با این حساب این سؤال پیش می‌آید که در دوران ما طبقه یا طبقات از چه طرقي می‌توانند بر ساختار قدرت سیاسی تاثیر داشته باشند، و در تصمیم‌گیری‌های آن دخالت کنند؟

تاثیرگذاری طبقات و لایه‌های متفاوت اجتماعی بر دولت بر فرض فعال بودن جامعه مدنی بطور عمده از دو طریق تامین می‌شود: ۱- انتخابات و وجود نهادهای مدنی (در دولتهای دموکراتیک) از طریق ساز و کارهایی که در قانون مشخص شده‌اند ۲- حضور خیابانی و اعتراضات خودجوش که مرزهای قوانین ضد دموکراتیک موجود را در می‌نورند.

تا جائیکه به طبقه کارگر در سطح جهانی مربوط است، این طبقه در کشورهای دموکراتیک از طریق تشکلهای صنفی و مدنی، و نیز از طریق حضور در پای صندوقهای رای قادر بر تاثیرگذاری مشخص به ساخت قدرت سیاسی می‌باشد. در این کشورها با وجود اینکه سندیکالیسم به هويت و وجود اصلی و ساختاری طبقه کارگر تبدیل شده، و دیگر خبری از اعمال انقلابی گری نیست، اما نوعی آرایش طبقاتی تعریف شده و قابل رویت با مرزهای مشخص خود وجود دارد که امر مبارزه طبقاتی را در واضحترین سطوح خود نگه می‌دارد. طبقه کارگر در این کشورها از طریق سندیکالیسم و گاه حضور خیابانی، تصامیم دولتها را جابجا می‌کنند و مهر منطق مبارزه طبقاتی خود را بر دولت می‌کوبند.

اما امر مبارزه طبقاتی در کشورهای غیردموکراتیک به طرقي نامشخص و غیر تبلور یافته پیش می‌رود. به این معنی که در غیاب سازمانها و نهادهای مستقل طبقاتی - صنفی کارگران و زحمتکشان، مبارزه خصلت توده‌ای، پراکنده و غیر مشخص می‌گیرد و ابعاد تاثیرگذاری‌های آن چه از لحاظ کیفی و چه از لحاظ کمی مشخص نیست، و یا در سطح کاملاً پایینی است. در این کشورها امر مبارزه صنفی طبیعتاً می‌تواند خیلی سریع به مبارزه کلان سیاسی فرابروید، و خواستهای صنفی را به تغییر در ساختار قدرت در کشور معطوف کند.



چنین پدیده‌ای بعنوان نمونه در روسیه تزاری به منصفه ظهور رسید، و در کشورهای دیگری از طریق سازمان یابی کمونیست‌ها، به نام طبقه کارگر و زحمتکشان (مانند چین و کوبا) خواسته‌های صنفی به خواست سیاسی فراروئیدند و تحول در زیست طبقه کارگر به امر انقلاب وابسته شد.

البته در این کشورها بعد از پیروزی انقلاب، با توجه به نقش برجسته و بی بدیلی که حزب و دولت در امر هدایت جامعه و ساختارهای آن ایفاء می‌کنند، نقش طبقه کارگر مشخص نیست. آنچه آنجا وجود دارد وجودی یگانه و بی بدیل از در هم آمیختگی دولت و حزب است که رابطه مستقل و خودمختار طبقه کارگر، طبقه‌ای که دارای تشکلات مستقل خود باشد و از تاثیرگذاری‌های مشخص خود بر دولت - حزب برخوردار باشد، تعریف نشده است. بنابراین در این کشورها بر خلاف کشورهای سرمایه‌داری دمکراتیک فرض بر این است که دولت متعلق به طبقه کارگر است و طبقه کارگر متعلق به آن، و بنابراین در یک همذات پنداری، دیگر نیازی به نقش مستقل طبقه کارگر وجود ندارد. ولی آنچه از این کشورها می‌شنویم، بر خلاف کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، نقش مداوم دولت در پیشبرد جامعه و عدم وجود بده بستان میان طبقه کارگر و قدرت سیاسی است. به بیانی دیگر در این کشورها طبقه کارگر تابع قدرت سیاسی شده و حزب مسلط، بخودی خود عالیترین مقام منعکس کننده منافع طبقه کارگر هم هست. هر چند که این همذات پنداری و دیگر-انطباقی هیچوقت در هیچ رقابت و یا انتخاباتی دوباره، در بوته آزمایش قرار نمی‌گیرد.

اما آنچه در کشورهای دیکتاتوری می‌گذرد، بعنوان نمونه ایران، نه سندیکالیسم مرسوم جوامع پیشرفته سرمایه‌داری است و نه وجود دولتی با ادعای هویت کارگری. در اینگونه کشورها نه وضوح مبارزه طبقاتی - صنفی بسان کشورهای دمکراتیک وجود دارد و نه هم انطباقی و همذاتی دولت - طبقه کارگر. آنچه هست ساختاری دولتی است که به یمن قوی شدن امکانات تکنولوژیکی تسلط بر جامعه، از هرگونه برآمد طبقاتی - صنفی جدی کارگران جلوگیری می‌کند. در چنین نظامی دولت تلاش می‌کند امر دیسیپلین درونی شده را، چنانکه فوکو از آن سخن می‌گوید، عملی کند، هرچند بنابر دلایلی چند قادر به عملی کردن صد در صدی آن نیست. از جمله به این دلیل که لازمه دیسیپلین بخشی مدرن، ایجاد دولت مدرن در معنای متعارف آن است که در آن از جمله مفهوم فرد و آزادی هم بنوعی برجسته اند.

بنابراین طبقه کارگر در ایران در شرایط ویژه‌ای زندگی می‌کند که در آن با توجه به اختاپوسی شدن نقش قدرت سیاسی از یک طرف، و نبود سازوکارهای دمکراتیک تاثیرگذاری بر آن، و نیز عدم تطابقی که در کشورهایی مانند چین و کوبا مابین دولت و طبقه وجود دارد و در ایران نیست، بشدت در فشار است.

در چنین کشورهایی طبقه کارگر دو راه بیشتر ندارد: یا پیشبرد مدلی که در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری وجود دارد، و یا پیشبرد مدل چین و کوبا. و لازمه هر دوی اینها انقلاب است. یا انقلاب دمکراتیک، و یا انقلابی با هویت‌های ادعائی در چین و کوبا.

اما با توجه به افزایش نقش دولتها در جهان کنونی، کدامیک از امکان و احتمال بیشتری برخوردارند؟

## برنامه دولت بایدن برای مقابله با استثمار کودکان کارگر مهاجر

نوشته هانا درایر (نیویورک تایمز)  
ترجمه نرگس



بازرسی کودکان بدون سرپرست توسط گشت مرزی ایالات متحده در رم، تگزاس. عکس از کرستن لوس برای نیویورک تایمز

دولت بایدن روز دوشنبه ۲۷ فوریه خبر داد که با استثمار و کار کشیدن از کودکان مهاجر مقابله گسترده ای در سراسر ایالات متحده خواهد کرد. این برنامه شامل تحقیقاتی جدی در مورد رفتار شرکت هایی است که از کار کودکان مهاجر سود می برند.

این تحول در برنامه دولت چند روز پس از انتشار مقاله تحقیقی نیویورک تایمز درباره رشد انفجاری کار کودکان مهاجر در سراسر ایالات متحده به وقوع پیوست. به گزارش تایمز، تعداد بیسابقه ای از کودکانی که بدون والدینشان از مرز جنوبی امریکا عبور کرده اند، در نهایت به کار در مشاغلی طاقت فرسا گمارده میشوند که با قوانین کار کودکان در تناقض اند.

وزارت کار امریکا که وظیفه اجرای قوانین کار کودکان را دارد، گفت که هدف آنها تنها کارخانه ها و دلالاتی که از کار کودکان استفاده می کنند نیست؛ بلکه شرکتهایی که برای تولید محصولات خود به این نوع کارخانه ها و دلالاتی متکی هستند نیز هدف آنها خواهند بود. کودکان مهاجر اغلب از شناسنامه و شماره تامین اجتماعی جعلی استفاده میکنند و از طریق آژانس های کار شغل پیدا می کنند.

در گذشته شرکت‌ها برای فرار از جریمه‌های نقدی، در صورت کشف رفتار غیر قانونی شان، پیمانکاران رده دوم را مقصر معرفی می‌کردند. در این رابطه وزارت کار در بیانیه‌ای گفت «در بسیاری موارد پیمانکاران توجهی به هویت کارگرانی که در تأسیسات آنها کار می‌کنند ندارند.»

به گفته مقامات ارشد دولت، این وزارتخانه همچنین استفاده از ماده قانونی «کالاهای داغ» (۳) را بررسی خواهد کرد. این قانون به آنها اجازه می‌دهد حمل و نقل بین ایالتی کالاهایی که در زنجیره تولید آنها از کار کودک استفاده شده را متوقف کنند.

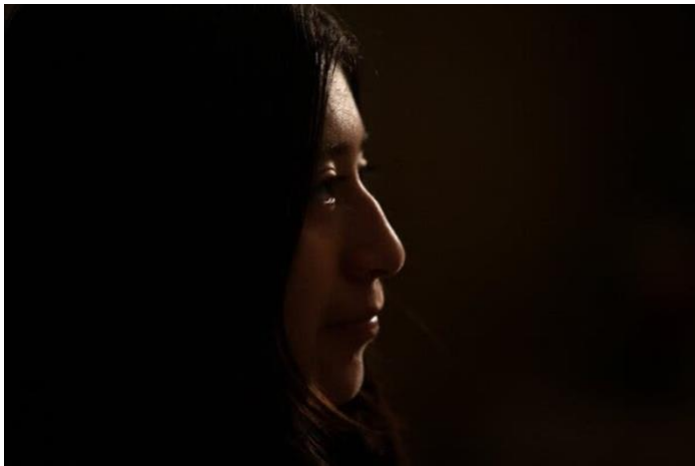
از جمله شرکت‌هایی که در زنجیره تولید محصولاتشان از کار کودک استفاده شده نام شرکت‌ها و فروشگاه‌های بزرگ آمریکایی، از جمله جی کرو، وال مارت، تارگت، بن و جری، فروت آف د لووم، و کارخانه‌های فورد و جنرال موتورز هستند (۴). در شهر گرند ریپز در ایالت میشیگان (۵)، بچه‌ها شبها در کارخانه‌هایی که توسط شرکت پیمانکار هارت آند فورد سولوشن (۶) اداره میشد کار می‌کردند. این پیمانکار برای شرکت‌های عمده تولید مواد غذایی، از جمله شرکت جنرال میلز، فریتولی و کواکر اوتز (۷) غذا تولید و بسته‌بندی می‌کند. مقامات دولتی آمریکا گفتند که وزارت کار بررسی و بازجویی شرکت هارتلند را آغاز کرده است.

مقامات دولتی همچنین قصد آغاز بازرسی مناطقی که در آنها احتمال نقض قانون کار کودکان وجود دارد را دارند و به احتمال زیاد از کنگره خواهند خواست که مجازات متخلفان را افزایش دهد. بازرسان فدرال مدتها است که می‌گویند حداکثر جریمه برای تخلفات کار کودکان که حدود ۱۵۰۰۰ دلار در هر مورد است، برای جلوگیری از کار کشیدن و استثمار کودکان کافی نیست.

در دو سال گذشته بیش از ۲۵۰،۰۰۰ کودک به تنهایی وارد کشور آمریکا شده‌اند. بسیاری از آنها برای فرستادن پول به والدین خود و همچنین پرداخت هزاران دلار هزینه قاچاق و در برخی موارد پرداخت اجاره و هزینه‌های زندگی به سرپرستان قانونی خود تحت فشار شدیدی هستند. بیشتر آنها اهل آمریکای مرکزی هستند، منطقه‌ای که در آن شرایط اقتصادی از زمان بیماری همه‌گیر کرونا رو به وخامت گذاشته است.

کودکان کارگر اکنون در همه ایالات و صنایع مختلف آمریکا در مشاغل خطرناک به کار مشغولند. آنها در کشتارگاه‌ها، کارگاه‌های ساختمانی و کارخانه‌ها شغل می‌گیرند - مشاغلی که مدتهاست برای کودکان آمریکایی ممنوع است.

از سال ۲۰۱۷ تا کنون حداقل ۱۲ کارگر مهاجر زیر سن قانونی در حین کار کشته شده‌اند. از جمله اینها یک جوان ۱۶ ساله است که در ایالت جورجیا از ماشین خاک‌بری که آن را رانندگی میکرد سقوط کرد. برخی دیگر دچار جراحات جدی شده‌اند و از جمله پاهای خود را از دست داده و یا کمرشان بر اثر سقوط شکسته است. هیلاری شولتن، نماینده دموکرات ایالت میشیگان (۸) در سخنرانی روز دوشنبه ۲۷ فوریه خود در صحن مجلس، خواستار اقدامات بیشتری از طرف دولت شد. او گفت «تصور ما این است که داستان بچه‌هایی که مدرسه را ترک می‌کنند، در اثر خستگی کار بر زمین می‌افتند، و حتی دست و پاهای خود را در چرخه‌های ماشین کار از دست می‌دهند را باید در رمان‌های چارلز دیکنز یا آبتون سینکلر ببینیم، نه در روایاتی از زندگی روزمره در سال ۲۰۲۳ در ایالات متحده آمریکا!»



یکی از کارگران شرکت هارت سایید (۹)، کارولینا یوک (۱۰) ۱۵ ساله، در توصیف برنامه طاقت فرسای روزانه خود که شامل حضور در مدرسه و سپس کار در شیفت های هشت ساعته است گفت که او تا نیمه شب کار بسته بندی جعبه های سریال چریوز (۱۱) را انجام می دهد و از شدت فشار کار کارخانه و کم خوابی بیمار شده است.

تصویر ۲: کارولینا یوک، ۱۵ ساله. عکس از کرستن لوس برای نیویورک تایمز

یکی از نمایندگان هارت سایید هفته گذشته گفت که به یک شرکت دلال نیروهای کار برای استخدام کارگرانش متکی است و در آینده از معیارهای بهتری استفاده خواهد کرد. این شرکت پس از انتشار مقاله افشاگرانه نشریه تایمز اعلام کرد که یک شرکت حقوقی و مشاور را برای بررسی شیوه های استخدام و ایمنی خود استخدام کرده است و شروع به درخواست کارت شناسایی دولتی از هر کارگری که در امریکا وارد کارخانه هایش می شود را کرده است.

بسیاری از شرکتهای دیگری که توسط تایمز شناسایی شده اند نیز گفته اند که در حال بررسی یافته ها گزارش شده هستند و به قراردادهای خود با شرکت های تامین کننده نیروی کار پایان داده اند. شرکت پیسی که مالک فریتو لی و کوآکر اوتز است؛ شرکتهایی که کالاهای آنها گاهی توسط هارت سایید تولید می شوند، به درخواست های مکرر نویسنده این مقاله برای اظهار نظر پاسخ نداد.

بر اساس قانون فدرال مبارزه با قاچاق، مورخ سال ۲۰۰۸، کودکانی که به تنهایی از کشورهایی غیر از کانادا و مکزیک به امریکا سفر می کنند، مجاز به اقامت در ایالات متحده و درخواست پناهندگی یا سایر حمایت های قانونی هستند. وزارت بهداشت و خدمات انسانی امریکا مسئول نظارت بر حمایت مالی و محافظت از آنها در برابر قاچاق و استثمار است.

با عبور هر چه بیشتر کودکان مهاجر از مرز، دولت بایدن از کارمندان وزارت بهداشت و خدمات انسانی ایالات متحده خواسته که توجه بیشتری به موضوع کودکان مهاجر معطوف کنند. کارکنان این وزارت خانه اکنون موظف اند در اسرع وقت مهاجران صغیر را از پناهگاه های دولتی آزاد کنند. به گزارش تایمز، خاویر بسرا (۱۲)، وزیر بهداشت و خدمات انسانی، از کارکنانش خواسته بوده تا با سرعتی همانند خط مونتاز حرکت کنند. این سبب شده که وزارت بهداشت و خدمات انسانی برخی از مراحل بررسی داوطلبان سرپرستی کودکان پس از آزادی از پناهگاه های دولتی را لغو کنند. این قوانین سالهاست وجود داشته و شامل بازرسی پیشینه داوطلبان سرپرستی و بررسی پرونده های کودکان است.

سخنگوی وزارت بهداشت و خدمات انسانی هفته گذشته گفت که نفع کودکان در این است که از وضعیت بازداشت در پناهگاه های دولتی خارج شوند. این وزارت خانه امنیت آنها را به خطر نمی اندازد.

اما وقتی کودکان از پناهگاه ها آزاد می شوند، مکان های کمی برای مراجعه و درخواست کمک دارند. اکثر آنها بعد از آزادی فقط شماره تلفن خط امداد رسانی را در دست دارند که توسط وزارت بهداشت و خدمات انسانی گردانده



میشود. به گزارش تایمز کودکان تا کنون با این خط تلفن تماس می‌گرفتند تا سوءاستفاده و استثمار را گزارش کنند ولی جوابی نمی‌گرفتند. اپراتورها عموماً آنها را به مجریان محلی قانون و سایر سازمانها ارجاع میدادند که ممکن بود گزارش را پیگیری نکنند.

روز دوشنبه ۲۷ فوریه، مقامات ارشد دولت گفتند که وزارت بهداشت و خدمات انسانی اکنون از اپراتورها درخواست خواهد کرد تا آنها با کودکان تماس بگیرند و توضیح دهند که کدام یک از مجریان محلی در قبال آنان مسئول است.

پس از اینکه برخی مسئولان فاش کردند که وزارت بهداشت و خدمات انسانی مرتباً نشانه‌های آشکار استثمار احتمالی کودکان را - از جمله از جانب بزرگسالانی که مجاز به سرپرستی از ۲۰ کودک بودند - نادیده می‌گرفته است، این وزارتخانه اعلام کرد که آنها مدت به یک ماه به بررسی این موضوع می‌پردازند تا ببینند آیا قوانین موجود در مورد بزرگسالانی که حامی چند کودک هستند نیاز به تغییر دارد یا خیر. اضافه بر این، کارکنان این وزارت خانه در آینده موظف خواهند بود اطلاعات بیشتری را در مورد قوانین ناظر بر کار کودکان به حامیان مالی و مهاجران صغیر بدهند.

### زیر نویس:

۱. تیترا انگلیسی مقاله و لینک:

#### Biden Administration Plans Crackdown on Migrant Child Labor

[https://www.nytimes.com/2023/02/27/us/biden-child-labor.html?campaign\\_id=60&emc=edit\\_na\\_20230227&instance\\_id=0&nl=breaking-news&ref=cta&regi\\_id=11487015&segment\\_id=126431&user\\_id=130e1a1a74259251bbc8c5bf94b3c7f5](https://www.nytimes.com/2023/02/27/us/biden-child-labor.html?campaign_id=60&emc=edit_na_20230227&instance_id=0&nl=breaking-news&ref=cta&regi_id=11487015&segment_id=126431&user_id=130e1a1a74259251bbc8c5bf94b3c7f5)

۲. هانا درایر، نویسنده این مقاله گزارشگر و برنده جایزه پولیتزر در تیم تحقیقات تایمز است. [hannahdreier@](mailto:hannahdreier@)

۳. Hot goods

۴. J.Crew, Walmart, Target, Ben & Jerry's, Fruit of the Loom, Ford, General Motors

۵. Grand Rapids, Michigan

۶. Hearthside Food Solution

۷. General Mills, Frito-Lay, Quaker Oats

۸. Representative Hillary Scholten, Democrat of Michigan

۹. Hearthside

۱۰. Carolina Yoc

۱۱. Cheerios

۱۲. Xavier Becerra

## خواب وحشتناک فرخ نعمت پور

از دانشگاه که فارغ التحصیل شدم، یک روز خوب بهاری بود. درست اواخر فصل بهار. با دلی هم شاد و هم غمگین از دوستان و همکلاسی هایم خداحافظی کردم. بخودم گفتم شانزده سال متمادی پشت نیمکت نشستن بالاخره تمام شد. خیابانهای تهران مهربانانه بدرقه‌ام کردند.

بعد از دوازده ساعت نشستن و انتظار در یک اتوبوس، بالاخره به شهرمان رسیدم. از دور مرز پیدا بود و کوه سر به فلک کشیده 'گمو' ۱ که در خاک عراق قرار داشت، قد کشیده و استوار در افق خودنمایی می کرد. درست در دروازه شهر، در پست بازرسی ماموری بالا آمد. گفت کارت شناسائی! خوشحال کارت شناسائی ام را از جیبم بیرون آورده، و با تبسمی به دستش دادم. اخمو کارت را گرفت، و بعد از کنترلی چند برگرداند.

شب، خانه، مادر پرسید خوب پسرم خوش آمدی! حالا دیگه میخوای چکاره شوی؟ من که رشته ادبیات را تمام کرده‌بودم و بشدت تحت تأثیر پست مدرنیستها بودم، بعد از تاملی چند گفتم احتمالا معلم و یا شاید... و کلمه‌ای مناسب نیافتم. مادر رفت میوه آورد و من که سیب قرمز بسیار دوست دارم، یکی برداشتم و خوردم. بهخودم گفتم درست می شه!

و من نمی دانم چرا گفتم معلم.

و شب خواب دیدم. در خوابم فصل زمستان بود. من با کوله‌باری سنگین به وزن پنجاه کیلو در سربالائی کوه گمو تا زانوان فرورفته در برف بهزحمت راه می پیمودم. و جلو و عقب من دهها کس دیگر. و درست سر گردنه یک پست بازرسی بود. موقعیکه رسیدم، همان سرباز دیروز آنجا بود. گفت کارت شناسائی! و من که نمی توانستم کوله‌بار سنگینم را از پشت سراپا خیس عرقم پایین بکشم، بزحمت دست برده و کارتم را از جیب سمت راستم بیرون آوردم. سرباز نگاهش کرد. گفت کولبر؟ من که نمی دانستم چی جواب بدهم و مانده بودم، گفتم شاید! و ناگهان از جواب خودم پشتم لرزید. مابوسانه به اطرافم نگاهی انداختم. سرباز تفنگش را برداشت، و شلیک کرد. گلوله‌ها از بالای سرم صفرکشان گذشتند. گفتم نه معلم ام، یعنی می خواهم بشوم. و ناگهان دستی نامرئی سیبی قرمز به دستانم داد. به سرباز گفتم بفرما، در این هوا سیب قرمز می چسبد. و سرباز عصبانی شد، و با بی سیمش به جائی زنگ زد. گفتم به نظرم اشتباهی شده، گفتم من سالها درس خوانده‌ام و به احتمال قوی بر اثر یک اشتباه پست مدرنیستی حالا اینجایم. گفتم شاید نویسنده‌ای پست مدرن دارد به شیوه دیگری زندگی مرا به تصویر می کشد. و تاکید کردم که ادبیات علیرغم شباهت ظاهریش به زندگی، اما بسیار متفاوت و جداست و نباید زیاد آنرا رئالیستی فرض کرد. اما سرباز که حواسش به من نبود همانطور مشغول تماس بی سیمی اش بود. به خودم گفتم مطمئنم اشتباهی صورت گرفته، آخر یک سرباز ایرانی نمی تواند در خاک عراق پست بازرسی بزند و ملت را کنترل کند. و خوشحال از این تصور خودم، به دانه‌های ریز درشت برف که مرتب و بی رحمانه می باریدند، چشم دوختم. در این اثناء کسی دست بر شانهام انداخت. برگشتم، مادرم بود. گفت تو که گفتی می خواهی معلم شوی! گفتم مادر حتما معلم می شوم، قبل از شما به سربازه هم گفتم که

اشتباهی شده، حالا بی سیم می کند و سوءتفاهم را برطرف می کند. و مادر خندید. و با خنده اش ناگهان دوباره بهار شد، درست مانند دیروز قبل از اینکه من شبش بخوابم و خواب ببینم. و بهار که شد تنها من ماندم و گمو. تنها در دامنه کوهی عظیم که از آنجا می شد شهرمان را در شرق دور دید. بخودم گفتم مهم نیست، مهم این است که بالاخره زمستان تمام شد و من دیگر کولی بر پشت ندارم و به احتمال زیاد می توانم درخواست معلمی ام را برای اداره آموزش و پرورش بفرستم.

و از دامنه کوه شادان و خندان پایین آمدم. آوازی بر لبانم بود، و بر برگهای طبیعت دست می کشیدم. این را از سرخپوستها یاد گرفته بودم. در روستای پایین ده که اسمش "مروا" ۲ بود؛ و تنها خرابه‌هایش بعد از آتش زدنش در میانه دهه پنجاه شمسی باقی مانده بودند، رسیدم. به چشمه گوارای پایین ده رسیدم. آبی به سر و صورتم زدم، و جرعه‌ای چند نوشیدم. و رودخانه‌ای که مرز میان ایران و عراق بود را دیدم که پایینتر روان بود. و چه آب خروشان‌ای! گفتم حتما پلی چوبی پیدا می شود.

اما نمی دانم من چرا مدام بشدت عرق می کردم، و هی خسته و خسته‌تر می شدم! نمی دانم چرا بدنم اینقدر سنگین، و زانوانم این چنین لرزان و بی حال بودند. به خودم گفتم علتش شاید خوابی باشد که می بینم. به خودم گفتم به خانه که برگشتم شب بعدش چنان می خوابم که دیگر خوابی رویائی به سراغم نیاید.

و از ده که گذشتم، همان اتوبوس را دیدم. اتوبوسی که این بار از کوره راههای سنگلاخی، در دل کوهستانی صعب العبور مسافر جابجا می کرد! قبل از اینکه سوار شوم، به راننده گفتم که شاید نتواند از رودخانه عبور کند. گفتم که آیا مطمئن است آنجا پلی هست؟ راننده که مردی عبوس با شکمی گنده و دهنی بد بو بود، در آینه چشمانش غره رفت. موقعیکه خواستم سوار شوم، شاگرد گفت اینجوری که همیشه! گفتم یعنی چه که همیشه؟ گفتم من همین دیروز با همین اتوبوس از تهران برگشتم و شد، و حالا چرا همیشه؟! راننده با شکم گنده‌اش نزدیک آمد، گفت که می شود اما تنها خودت و باقی باید توی قسمت بار گذاشته بشه. و شاگرد خندید. من متوجه شدم که کوله‌بار درون خوابم هنوز بر پشتم بود.

سوار اتوبوس شدم. بشدت گرسنه‌ام بود. راستی چرا سیب سرخ مادرم را به سرباز پست بازرسی دادم؟ چشام را بستم. آنقدر احساس خستگی می کردم که انگار اجزای تنم می خواست از هم بگسلد.

اتوبوس راه افتاد. من که کاملاً مطمئن بودم پلی وجود ندارد تا اتوبوس بتواند از رودخانه مرزی عبور کرده و به سوی دیگر آن برسد، به خودم گفتم به درک اینکه مشکل من که نیست!

و خوشحال از اینکه من فارغ التحصیل دانشگاه ادبیات در پایتخت کشور، بعد از برگشتنم به خانه داشتم یک خواب پست مدرنیستی، درست در شهری در ده کیلومتری مرز می دیدم، خوابی که در دنیای واقع به هیچ عنوان نمی توانست وجود داشته‌باشد، دوباره به خواب رفتم.

به یاد دارم از صدای فریاد خودم بیدار شدم. و خواب در خواب یعنی که واقع. دانه‌های درشت برف فرود می آمدند، و کاروان ما چه طولانی بود!

## زیرنویس:

- ۱- کوهی در مرز بانه
- ۲- روستائی در خاک اقلیم کردستان، در دامنه کوه گمو



## Evolution in the Struggles of Iran's Organized Labor

### Narges D. & Meysam Al-Mehdi

The Woman, Life, Freedom movement in Iran has entered its sixth month of existence. This extraordinary mass protest movement, spearheaded by women, is centered around the systemic social inequalities in the Islamic Republic of Iran. Every day, young protesters across the country chant the central slogan of the movement and thus invite themselves and their observers to take note and analyze the roots of their discontent. The interpretations of the movement's aim along with its central slogan, as presented by the Iranian media, academic circles and ordinary citizens in Iran and throughout the Iranian diaspora, center on the issues of gender inequality, political repression, economic crisis and the cultural gap that now separates the generation born in the first two decades of the twenty first century from the enduring traditions of the previous generations. These analyses do not address the topic of class. As a result, the link that connects the roots of this movement to the on-going struggles of Iranian labor is more or less ignored. When labor strikes and calls of independent labor organizations are noted as part of the on-going protest movement, most analyses see the working class as a means to bring about the end of the current regime. Concurrently, the security forces view the labor protests as matters of security concerns and continue to suppress the labor protesters and labor leaders.

In order to understand the organic relationship between the Women, Life, Freedom movement, and the on-going working-class struggles, it is necessary to review the struggles of Iranian workers, teachers and pensioners over the past two years. Prior to the start this mass movement, labor protests had entered a new phase that moved beyond the usual expressions of labor demands. This new phase was characterized by its radical stance, continuous public protests, and coordinated nation-wide demonstrations led by independent labor organizations.

A review of published declarations, and speeches given by independent labor activists, over the past two years, demonstrate a determination to continue the struggle until the movement's demands, including the release of imprisoned activists, are met. Among these demands are the stemming of systematic corruption of the country's economy, and an end to the government's view of protesters as security threats.



In recent years, the continuation of workers' protests and reflections of these protests posted on social media have raised public awareness of the deepening discontent among contingent workers, teachers and retirees. Public demonstrations around symbolic empty dinner tables, daring speeches by activists who disregard the menacing presence of the security forces and insist on receiving a response from state representatives, and labor's written declarations that challenge governmental representatives, reflect the evolution of labor's demands and the deepening of class consciousness among workers and their leaders. Ten years earlier, protesters' focus was on their employers and those contractors that refused to pay the wages that they owed. Now, the on-going struggles of workers and the urgency of their deteriorated living conditions have forced them to address the government officials, parliamentarians, ministers, politico-religious leaders, and security officials.

The gradual intensification of the public protests and the rise in the social esteem of the demonstrators are among the positive results of the evolution of labor's struggles. This change is now reflected in the strategies they choose to demonstrate their demands. The depth of class awareness among the labor activists, and the powerful encounters between labor, employers, and state officials is reflected in the demonstrators' speeches and in the nonstop pursuit of protests. Ten years earlier, the protesters were focused on taking action against those employers and contractors who did not pay their wages. In recent years, the urgency of the deteriorated living conditions of the labor have placed government officials, parliamentarians, ministers, politico-religious leaders, and security officials at the center of courageous labor actions.

The intensification of street protests and the rising prestige of the protesters in the society are the logical result of the evolution of workers' protests. The radicalization of the protests is related to the fact that workers do not have access to safe mechanisms of dialogue and negotiation with their employers. Instead, labor voices have been continuously disregarded by government officials. A review of the speeches given by labor leaders in recent years, while intensely monitored by the fearsome security forces demonstrate the daring boldness of the leaders. A video of Karim Sayyahi, leader of the Ahvaz metalworkers, at a gathering in the winter of 2021 is an example. Mr. Sayyahi's is seen saying: "Comrades, your blood must be boiling right now. Cursed be the one who steals from you, who mocks you and stigmatizes you. Cursed be the forces that have humiliated us (1)." At a different gathering Sayyahi says: "They call and threaten us. Do not try to frighten us by the specter of prison (2)!"

The words of Ghareeb Hoveyzawi, a worker at the National Steel Company of Iran also demonstrate the extent of labor leaders' courage. Hoveyzawi who was dismissed from work in March 2019 (3) is currently in prison. Two years ago, he said the following: "I have nothing to lose because we have already been plundered (4)." The language used by Hoveyzawi to communicate the suffering of industrial workers is reflected in words of the courageous young demonstrators of the Women, Life, Liberty movement. They also say that they have nothing left to lose. The roots of young demonstrators' counter-traditional stance can be viewed in a video of Hoveyzawi's courageous speech given a year ago. In this

speech, he challenges the piety of the politicoreligious leaders as follows: "You lament the fate of Imam Hussein's family? This is useful to you! As for me, my family, uprooted, is no different from Hossein's family. Do not try to enter paradise by the strength of your tears. Try to accept responsibility and take a stand in public, as I do. This is the responsible behavior that Hussein has taught us (5).

The statement of the Coordinating Council of Iranian Teachers' Unions, dated November 6<sup>th</sup>, 2021, reflects the same radical views. They say, "Never in the history of modern education in Iran, from the time of Roshdiyeh to the present, have the conditions of public education been so disastrous. The Ineffective management and large-scale abuse of social funds have imposed poverty and such an austere living condition on the working and retired teachers that teachers' salaries do not half way meet the poverty line. Millions of children are deprived of education because of the ineptitude of the managers of national education. A consumerist view of education is now the dominant view of the government. In order to commercialized and monetized all aspects of education, an organized "Mafia" is influencing policy. Under these conditions, committed teachers and independent unions cannot remain silent. Meanwhile, anyone that criticizes these policies encounters the iron fist of the security and judicial institutions. viewing the demands of national education union activists as security threat is to escape responsibility and leave the demands of teachers' unions unanswered. in the face of these challenges. The selfless activists who fight to improve the quality of public education as well as their own living conditions are met with oppressive and violent measures. In recent days, oppressive measures against these activists have increased and they have been summoned before security and judicial institutions (6).

The support, compassion and cooperation of the local organizations and the civil society with labor demands have provided the protestors an essential a life line. In many of the demonstrations, families and local associates of the protestors help push back the violent and repressive actions of the security forces. They do this with their direct participation, or with their presence in the sidelines. Local support of workers' demands has been mostly related to the shared community concerns. These include water and environment concerns, the crisis of poverty, demands for equal rights of the marginalized ethnic groups, and local communities' lack of access to health care and public education.

Over the past two years, the tangle of conditions that led to the growing discontent in the country has gained new impetus and strength. Last year, the crisis of poverty and despair and the pressure of security forces on labor, civil society and women, and the courage, eloquence, and class consciousness of the militant workers along with their street demonstrations have thrust the Iranian labor into public attention. The workers' movement has thus moved beyond the mere rhetorical expression of poverty, misery, and deprivation and evolved into a force that can organized country wide street protests and offer compelling class analyses of the current conditions by its leaders. Now, as labor moves forward alongside the Women, Life, Freedom movement they can share the valuable results of their past struggles with the mass protesters.

Supporters of labor must now shed light on the conflict of interest that exists between the labor and capital with close connection to the government, and state. Class consciousness is an antidote against opportunists who seek to undermine labor's achievements and further neoliberal interests. Labor movement's support and safeguarding of the working people's interests radicalize the Women, Life, Liberty movement. We have a duty to expose the varied layers of systematic injustice in the judicial and cultural arenas, underline the class dimensions of the street struggles of women, men, and the youth and show the organic link between the Women, Life, Freedom movement, and the labor's struggles!

## References:

1. <https://twitter.com/Meytham5/status/1493190337757601793>
2. <https://ir.voanews.com/a/iran-worker-karim-siahi/6434171.html>
3. <https://twitter.com/meytham5/status/1406537761855844354>
4. Free Trade Union of Iranian Workers:  
<https://www.facebook.com/watch/?v=205644273870957>
5. Free Trade Union of Iranian Workers:  
<https://www.facebook.com/watch/?v=946541319246536>
6. Channel of the Coordinating Council of Iranian Teachers' Unions:  
<https://t.me/kashowra/3155>





## Entwicklung der organisierten Kämpfe der Arbeitskraft im Iran Narges D. & Meysam Al-Mehdi

Die Bewegung "Frauen, Leben, Freiheit" befindet sich nun im dritten Monat. Diese außergewöhnliche Massenprotestbewegung, die von Frauen angeführt wird, prangert die systematischen sozialen Ungleichheiten in der Islamischen Republik an. Jeden Tag skandieren junge Demonstranten in ganz Iran diesen zentralen Slogan und fordern sich selbst und ihre Anhänger auf, die Wurzeln der Unzufriedenheit des Volkes zu erforschen und zu analysieren. Die Analysen, die in sozialen Netzwerken, Medien und akademischen Kreisen veröffentlicht werden, drehen sich hauptsächlich um die Ungleichheit der Geschlechter, die politische Unterdrückung, die Wirtschaftskrise und die kulturelle Kluft zwischen der in den 2000er Jahren geborenen Generation und den Traditionen früherer Generationen.

Klassenfragen werden in diesen Analysen weniger angesprochen. Der Zusammenhang zwischen dem Entwicklungsprozess dieser Bewegung und den anhaltenden Kämpfen der Arbeiter in den letzten Jahren wird mehr oder weniger ignoriert. In den wenigen Fällen, in denen die Streiks und Aufrufe unabhängiger Gewerkschaftsorganisationen kommentiert werden, sehen die meisten Analysen die Arbeiterklasse als Hebel, um dem derzeitigen Regime ein Ende zu setzen. Seit Jahren betrachten auch die Sicherheitskräfte diese Kämpfe, die Demonstranten und die Führer der unabhängigen Gewerkschaftsbewegungen durch das Prisma der Sicherheit. Um die organische Beziehung zwischen der Bewegung Frauen, Leben, Freiheit und den Kämpfen der Arbeiterklasse zu verstehen, ist es notwendig, die Kämpfe der iranischen Arbeiter, Lehrer und Rentner in den letzten zwei Jahren Revue passieren zu lassen. Vor dieser Frauenbewegung waren die Kämpfe der Arbeiter in eine neue Phase eingetreten, indem sie über den Rahmen der gewerkschaftlichen Forderungen hinausgingen. Diese neue Phase war radikalisiert und durch diskontinuierliche Straßenproteste und eine landesweite Koordinierung der Forderungen unabhängiger Arbeitnehmerorganisationen gekennzeichnet.

Eine Untersuchung der Anrufe und Interviews, die unabhängige Gewerkschaftsaktivisten in den letzten zwei Jahren der Presse gegeben haben, zeigt ihre Entschlossenheit, ihren Arbeitskampf für die Durchsetzung und Erfüllung ihrer Forderungen und für die Freilassung der inhaftierten Aktivisten fortzusetzen. Ihre Kämpfe richteten sich gegen die systemische Korruption in der Wirtschaft und forderten die Freilassung der inhaftierten Demonstranten. Sie forderten den Staat auf, die Sicherheit der Demonstrationen zu gewährleisten, damit sie ihre Forderungen frei und öffentlich äußern können.

In den letzten Jahren haben die Demonstrationen der Arbeitnehmer ein Echo in den sozialen Netzwerken gefunden und die tiefe Unzufriedenheit der Vertragsarbeiter, Lehrer und Rentner sowie die Warnungen der Gewerkschaftsführer ins Bewusstsein gerückt. Die öffentlichen Demonstrationen der Rentner an symbolischen leeren Tischen und die kühnen Reden von Vertretern der Gewerkschaftsorganisationen, die trotz der Sicherheitsbedrohungen die Vertreter des Staates zu einer Reaktion zwangen. Die Erklärungen der Lehrer-, Rentner- und Arbeiterorganisationen, die diese Vertreter direkt angesprochen haben, zeugen in der Tat von der Entwicklung der Gewerkschaftskämpfe und der Vertiefung des Klassenbewusstseins unter ihren Mitgliedern und Führern.

Einer der Faktoren für diese Entwicklung war die allmählich wachsende soziale Unzufriedenheit. Sie prägte die Wahl der Kampagnenmodi der Arbeitnehmer. Das Verständnis der Demonstranten und das Ausmaß der Klassenkämpfe einerseits und die mächtige Konfrontation der Arbeiter mit den Arbeitgebern und Staatsbeamten andererseits prägten den Inhalt ihrer Reden und die Härte ihrer Proteste. Vor zehn Jahren griffen die Demonstranten Arbeitgeber und Unternehmer an, die ihre Löhne nicht zahlten. In den letzten Jahren haben die zahlreichen diskontinuierlichen Kämpfe der Arbeitnehmer und die Dringlichkeit der Verschlechterung ihrer Lebensbedingungen die Vertreter des Staates, Parlamentarier, Minister, politisch-religiöse Führer und Verantwortliche der Sicherheitskräfte herausgefordert, ausgedrückt durch die mutigen Führer der unabhängigen Gewerkschaftskräfte.

Die Intensivierung der Straßenproteste und der Anstieg des Ansehens der Demonstranten in der Gesellschaft sind das intellektuelle Ergebnis der Entwicklung der Arbeitnehmerproteste. Die Radikalisierung der Proteste hängt auch damit zusammen, dass die Arbeitnehmer über keine garantierte Möglichkeit zum Dialog und zur Verhandlung mit den Arbeitgebern verfügten. Sie sahen sich mit der Missachtung der Regierungsbeamten für die ständigen Forderungen der Gewerkschaften und deren Einbeziehung in Regierungsentscheidungen konfrontiert. Ein Blick auf die Reden der Gewerkschaftsführer bei den Kundgebungen der letzten Jahre zeigt das Klassenbewusstsein der Arbeitnehmer und die Kühnheit ihrer Führer. Ein Beispiel dafür ist das Video von Karim Sayyahi, dem Führer der Metallarbeiter von Ahvaz, bei den Demonstrationen im Winter 2021. Er sagte zu seinen Kollegen: "Kamerad, dein Zorn muss kochen. Verflucht sei der, der dich bestiehlt, der dich verspottet und stigmatisiert. Verflucht sei der, der uns gedemütigt hat (1)." Bei einer anderen Gelegenheit drückt er sich wie folgt aus: "Sie rufen uns an und bedrohen uns. Wagt es nicht, uns mit Gefängnis zu drohen (2)."

Ghareeb Hoveyzawi, ein Arbeiter der "National Steel Group of Iran", der im März 2019 (3) entlassen wurde und derzeit inhaftiert ist, sagte vor zwei Jahren bei einer Versammlung von Arbeitern in diesem Sektor Folgendes, das den Mut und die Integrität der Arbeiterführer in der aktuellen Sicherheitslage belegt: "Ich habe nichts zu verlieren, da wir beraubt wurden (4)." Das sehr tiefe Leid der Industriearbeiter, das in seinen Worten zum Ausdruck kommt, kann in den aktuellen Worten der mutigen jungen Demonstranten der Bewegung Frauen, Leben, Freiheit empfunden werden. Das Video seiner mutigen Rede von vor einem Jahr erfasst sehr gut die Ursprünge des Unterschieds (in den Reaktionen) zwischen jungen und älteren Generationen. In dieser Rede forderte Ghareeb Hoveyzawi die politischen und religiösen Führer heraus: "Ihr beklagt das Schicksal der Familie von Hussein (Anm. d. Ü.: Er war der zweite Sohn von Ali, der



von den Schiiten als Führer verehrt wird, der als vierter Khalifa dem Messias Mohamad nach dessen Tod nachfolgte. Hussein wird von den Schiiten durch seinen Tod und den Tod von 72 seiner Familienmitglieder in Kerbela als Symbol der heiligen Skarifizierung und des Märtyrertums verehrt). Das geht Sie etwas an! Was mich betrifft, so wird meine Familie genauso zerstört wie seine. Prahlen Sie nicht mit dem Paradies, indem Sie Ihre Tränen vergießen. Übernehmen Sie Verantwortung und gehen Sie wie ich auf die Straße. Das ist eine Aufgabe, die Hossein uns seit (dem Ereignis in) Kerbela vermacht hat (5).“ Die Erklärung des "Koordinationsrats der iranischen Lehrgewerkschaften" vom 6. November 2021 spiegelt die gleichen radikalen Ansichten der Industriearbeiter wider.

"Noch nie in der Geschichte des modernen nationalen Bildungswesens im Iran, von der Zeit Rusdhihs bis heute, war die Situation so katastrophal. Die ineffiziente Verwaltung und der groß angelegte Missbrauch von Gesellschaftsvermögen haben die aktiven und pensionierten Lehrkräfte nur noch ärmer und unsicherer gemacht. Das Durchschnittsgehalt eines Lehrers erreicht nicht einmal die Hälfte der Armutsgrenze. Millionen von Kindern bleibt aufgrund der ineffizienten Verwaltung des nationalen Bildungswesens die Bildung verwehrt. Das Bild und die Vision der Regierung von Bildung werden stark von Sicherheitsdenken und Merkantilismus dominiert. Aufgrund der Privatisierung und des Merkantilismus hat die Mafia ihren Einfluss auf die Entscheidungsfindung im nationalen Bildungswesen zunehmend verstärkt. In einer solchen Situation können engagierte Lehrkräfte und unabhängige Gewerkschaften in diesem Sektor nicht gleichgültig gegenüber ihrem Schicksal bleiben. Jeder, der diese Politik kritisiert, stößt jedoch auf die eiserne Faust der Sicherheits- und Justizinstitutionen. Die Forderungen der Gewerkschaftsaktivisten im Bildungswesen unter dem Sicherheitsaspekt zu betrachten, bedeutet, sich der Verantwortung angesichts dieser Herausforderungen zu entziehen. Diese selbstlosen Aktivisten geben ihr Bestes, um die Lebensbedingungen der Lehrer und die Qualität des Unterrichts zu verbessern. Diese Blicke lüften die Ecke des Schleiers über die repressiven Maßnahmen. In den letzten Tagen hat sich der Druck auf diese Aktivisten erhöht. Es wurden leere Aktenordner für sie zusammengestellt. Sie wurden vor Sicherheits- und Justizeinrichtungen vorgeladen (6).

Die Unterstützung, das Mitgefühl und die Zusammenarbeit der lokalen und der Zivilgesellschaft mit den gewerkschaftlichen Forderungen der Arbeitnehmer und ihren diskontinuierlichen Demonstrationen sind eine wesentliche Stütze und helfen ihnen, ihre täglichen Lebensgrundlagen zu erhalten. Familien und Bürger nehmen direkt an vielen Straßenprotesten teil oder bleiben am Rande, um die Sicherheitskräfte daran zu hindern, ihre repressiven Maßnahmen zu verstärken. Diese Unterstützungen und Forderungen beziehen sich hauptsächlich auf gemeinsame Themen der Zivilgesellschaft, wie die Wasser- und Umweltkrise, Armut, gleiche Rechte für ethnische und marginalisierte Gemeinschaften, die Unterstützung und Feier regionaler Kulturen sowie das Recht auf Zugang zu Gesundheitsversorgung und Bildung für diese marginalisierten Gemeinschaften.

In den letzten zwei Jahren hat dieses Geflecht von Bedingungen, unter denen die Unzufriedenheit im Land wächst, den gewerkschaftlichen und zivilgesellschaftlichen Kämpfen wiederum neuen Schwung und neue Kraft verliehen. Im vergangenen Jahr wurden die Krise der Armut und Verzweiflung, der Sicherheitsdruck auf die gewerkschaftlichen und zivilgesellschaftlichen Kräfte und auf die Frauen, aber auch der Mut, die Redekunst, das Klassenbewusstsein der militanten

Arbeiter und die Straßenproteste in den Vordergrund der Aufmerksamkeit der Massen gerückt. Die Arbeiterbewegung ging damit über die bloße rhetorische Ausformulierung von Armut, Elend und Entbehrungen hinaus zu Kampfhandlungen auf der Straße und im ganzen Land und zur Klassenanalyse ihrer Führer über. Jetzt, mit der Bewegung Frauen, Leben, Freiheit, dienen diese wertvollen Kampfverfahren den Massendemonstranten an der Seite dieser Kämpfer.

Diejenigen, die die Volksschichten und die Kräfte der Arbeit unterstützen, müssen durch die Analyse des sozialen Klassenkampfes den Widerspruch zwischen ihren Interessen und denen der abhängigen Kapitalisten und Staatsunternehmer aufzeigen, um nützliche und wirksame Lösungen für die Bewegung vorzuschlagen. Klassenbewusstsein ist ein Gegenmittel für Opportunisten, die versuchen, die Errungenschaften der Kämpfe der Arbeiterklasse zu untergraben und die Interessen des neoliberalen Kapitalismus zu wahren. Die Unterstützung der Arbeiterklasse und die Interessen der Arbeiter radikalisieren die Bewegung Frauen, Leben, Freiheit. Die befreiende Kraft der Massen hängt jedoch von ihrem tiefen Bewusstsein für ihre Klasseninteressen ab. Wir haben die Pflicht, die verschiedenen und vielfältigen Aspekte der systemischen juristischen und kulturellen Ungerechtigkeiten aufzuzeigen, um die Klassendimensionen der Straßenkämpfe von Frauen, Männern und Jugendlichen zu verdeutlichen. Wir müssen die organische Verbindung zwischen der Bewegung Frauen, Leben, Freiheit und den Kämpfen der Arbeiter darlegen!

#### Referenzen:

1. <https://twitter.com/Meytham5/status/1493190337757601793>
2. <https://ir.voanews.com/a/iran-worker-karim-siahi/6434171.html>
3. <https://twitter.com/meytham5/status/1406537761855844354>
4. Freie Union (Gewerkschaft) der iranischen Arbeitnehmer:  
<https://www.facebook.com/watch/?v=205644273870957>
5. Freie Union (Gewerkschaft) der iranischen Arbeitnehmer:  
<https://www.facebook.com/watch/?v=946541319246536>
6. Kanal des Koordinationsrates der iranischen Lehrgewerkschaften  
<https://t.me/kashowra/3155>



## Evolution des luttes organisées des forces de travail en Iran Narges D. & Meysam Al-Mehdi

Le mouvement "Femmes, Vie, Liberté" est entré dans son troisième mois. Cet extraordinaire mouvement de protestation detravers l'Iran scandent ce slogan central et s'invitent, avec leurs sympathisants, à approfondir et à analyser les racines du mécontentement populaire. Les analyses rapportées dans les réseaux sociaux, les médias et les espaces universitaires tournent principalement autour de l'inégalité des sexes, de la répression politique, de la crise économique et du fossé culturel entre la génération née dans les années 2000 et les traditions des générations précédentes.

Les questions de classe sont moins abordées dans ces analyses. Le lien entre le processus d'évolution de ce mouvement et les luttes continues des travailleurs ces dernières années est plus ou moins ignoré. Dans les rares cas où les grèves et les appels des organisations syndicales indépendantes sont commentés, la plupart des analyses voient la classe ouvrière comme un levier pour mettre fin au régime actuel. Depuis des années, les forces de sécurité considèrent également ces luttes, les manifestants et les dirigeants des mouvements syndicaux indépendants à travers le prisme de la sécurité.

Afin de comprendre la relation organique entre le mouvement Femmes, Vie, Liberté et les luttes de la classe ouvrière, il est nécessaire de passer en revue les luttes des travailleurs, enseignants et retraités iraniens au cours des deux dernières années. Avant ce mouvement des femmes, les luttes des travailleurs étaient entrées dans une nouvelle phase en dépassant le cadre des revendications syndicales. Cette nouvelle phase était radicalisée et caractérisée par des manifestations de rue discontinues et une coordination à l'échelle du pays des revendications des organisations indépendantes de travailleurs.

Un examen des appels et des interviews accordés à la presse par des militants syndicaux indépendants au cours des deux dernières années montre leur détermination à poursuivre leur lutte syndicale pour obtenir et satisfaire leurs revendications et pour la libération des militants emprisonnés. Leurs luttes visaient la corruption systémique dans l'économie et exigeaient la libération des manifestants emprisonnés. Ils ont demandé à l'État de garantir la sécurité des manifestations afin qu'ils puissent exprimer librement leurs revendications publiquement.

Ces dernières années, les manifestations de travailleurs ont eu un écho sur les réseaux sociaux et ont fait prendre conscience du profond mécontentement des contractuels, des enseignants, des retraités et des mises en garde des dirigeants syndicaux. Les manifestations publiques des

retraités autour de tables vides symboliques et les discours audacieux des représentants des organisations syndicales qui, malgré les menaces de sécurité, ont obligé les représentants de l'État à réagir. Les déclarations des organisations d'enseignants, de retraités et de travailleurs qui ont directement interpellé ces représentants, témoignent en effet de l'évolution des luttes syndicales et de l'approfondissement de la conscience de classe parmi leurs membres et dirigeants.

L'un des facteurs de cette évolution a été la montée progressive du mécontentement social. Elle a marqué le choix des modes de campagne des travailleurs. La compréhension des manifestants et l'ampleur des luttes de classe d'une part, et la puissante confrontation des travailleurs avec les employeurs et les fonctionnaires de l'État d'autre part, ont marqué le contenu de leur discours et l'acharnement de leurs protestations. Il y a dix ans, les manifestants s'en prenaient aux employeurs et aux entrepreneurs qui ne payaient pas leurs salaires. Ces dernières années, les nombreuses luttes discontinues des travailleurs et l'urgence de la détérioration de leurs conditions de vie ont interpellé les représentants de l'État, parlementaires, ministres, leaders politico-religieux et responsables des forces de sécurité, exprimés par les courageux leaders des forces syndicales indépendantes.

L'intensification des manifestations de rue et la montée de l'image des manifestants dans la société sont le résultat intellectuel de l'évolution des protestations des travailleurs. La radicalisation des protestations est également liée au fait que les travailleurs ne disposaient d'aucun moyen garanti de dialogue et de négociation avec les employeurs. Ils ont été confrontés au mépris des responsables gouvernementaux pour les revendications permanentes des syndicats et pour leur inclusion dans les décisions gouvernementales. Un examen des discours des dirigeants syndicaux lors des rassemblements de ces dernières années montre la conscience de classe des travailleurs et l'audace de leurs dirigeants. La vidéo de Karim Sayyahi, leader des métallurgistes d'Ahvaz, lors des manifestations de l'hiver 2021 en est un exemple. Il a dit à ses collègues: «Camarade, ta colère doit être en ébullition. Maudit soit celui qui te vole, qui se moque de toi et te stigmatise. Maudit soit celui qui nous a humiliés (1).» A une autre occasion, il s'exprime comme suit: "Ils nous appellent et nous menacent. N'essayez pas de nous menacer d'emprisonnement (2)."

Ghareeb Hoveyzawi, un travailleur du "National Steel Group of Iran" qui a été licencié en mars 2019 (3) et est actuellement emprisonné a déclaré ce qui suit il y a deux ans lors d'un rassemblement des travailleurs de ce secteur qui témoigne du courage et de l'intégrité des dirigeants des travailleurs dans la situation sécuritaire actuelle: "Je n'ai rien à perdre puisque nous avons été volés (4)." La souffrance très profonde des ouvriers de l'industrie exprimée dans ses paroles peut être ressentie dans les paroles actuelles des jeunes manifestants courageux du mouvement Femmes, Vie, Liberté. La vidéo de son courageux discours d'il y a un an saisit très bien les origines de la différence (dans les réactions) entre les jeunes et les générations plus âgées. Dans ce discours, Ghareeb Hoveyzawi interpelle les dirigeants politiques et religieux: "Vous vous lamentez sur le sort de la famille de Hussein (NDLR: il était le deuxième fils d'Ali, vénéré comme le leader par les chiites qui est le quatrième Khalifa succédant au messie Mohamad après sa mort. Hussein est vénéré comme le symbole de la scarification sacrée et du martyr par les chiites à travers sa mort et celle de 72 membres de sa famille à Karbala). Cela vous concerne! Quant à moi, ma famille est détruite comme la sienne. Ne vous

vantez pas du paradis en versant vos larmes. Prenez vos responsabilités et sortez dans la rue comme moi. C'est une mission que Hossein nous a léguée depuis (l'événement de) Karbala (5)." La déclaration du "Conseil de coordination des syndicats d'enseignants iraniens" du novembre 2021 reflète les mêmes vues radicales des travailleurs industriels.

"Jamais dans l'histoire de l'éducation nationale moderne en Iran, de l'époque de Rushdieh à aujourd'hui, la situation n'a été aussi désastreuse. La gestion inefficace et l'abus à grande échelle des biens sociaux n'ont fait qu'appauvrir et précariser les enseignants actifs et retraités. Le salaire moyen d'un enseignant n'atteint même pas la moitié du seuil de pauvreté. Des millions d'enfants sont privés d'éducation à cause de la gestion inefficace de l'éducation nationale. L'image et la vision de l'éducation du gouvernement sont fortement dominées par la sécurité et le mercantilisme. En raison de la privatisation et du mercantilisme, la mafia a de plus en plus renforcé son influence sur la prise de décision dans l'éducation nationale. Dans une telle situation, les enseignants engagés et les syndicats indépendants du secteur ne peuvent rester indifférents à son sort. Or, quiconque critique ces politiques se heurte à la poigne de fer des institutions sécuritaires et judiciaires. Considérer les revendications des militants syndicaux de l'éducation nationale sous l'angle sécuritaire, c'est fuir ses responsabilités face à ces défis. Ces militants désintéressés donnent de leur personne pour améliorer les conditions de vie des enseignants et la qualité de l'enseignement. Ces regards lèvent le coin du voile sur les mesures répressives. Ces derniers jours, la pression sur ces militants s'est accrue. Des dossiers vides ont été constitués à leur intention. Ils ont été convoqués devant les institutions sécuritaires et judiciaires (6).

Le soutien, la compassion et la coopération de la société locale et civile à l'égard des revendications syndicales des travailleurs et de leurs manifestations discontinues sont des soutiens essentiels et les aident à maintenir leurs moyens de subsistance quotidiens. Les familles et les citoyens participent directement ou restent en marge de nombreuses manifestations de rue, afin d'empêcher les forces de sécurité d'intensifier les actions répressives. Ces soutiens et revendications sont principalement liés à des questions communes à la société civile, telles que la crise de l'eau et l'environnement, la pauvreté, l'égalité des droits pour les communautés ethniques et marginalisées, le soutien et la célébration des cultures régionales, les droits d'accès aux soins de santé et à l'éducation pour ces communautés marginalisées.

Au cours des deux dernières années, cet enchevêtrement de conditions dans lesquelles le mécontentement grandit dans le pays a, à son tour, donné un nouvel élan et une nouvelle force aux luttes syndicales et civiques. L'année dernière, la crise de la pauvreté et du désespoir, la pression sécuritaire sur les forces syndicales et de la société civile et sur les femmes, mais aussi le courage, l'art oratoire, la conscience de classe des travailleurs militants, les manifestations de rue ont été propulsés au premier plan de l'attention des masses. Le mouvement ouvrier a ainsi dépassé la simple expression rhétorique de la pauvreté, de la misère et des privations pour passer à des actions de combat dans les rues et à travers le pays et à l'analyse de classe de ses dirigeants. Maintenant, avec le mouvement Femmes, Vie, Liberté, ces précieuses expériences de lutte servent les manifestants de masse aux côtés de ces combattants.



Ceux qui soutiennent les couches populaires et les forces du travail doivent montrer par l'analyse de la lutte des classes sociales la contradiction entre leurs intérêts et ceux des capitalistes dépendants et des entrepreneurs d'État afin de proposer des solutions utiles et efficaces pour le mouvement. La conscience de classe est un antidote aux opportunistes qui cherchent à saper les acquis des luttes de la classe ouvrière et à préserver les intérêts du capitalisme néolibéral. Le soutien de la classe ouvrière et les intérêts des travailleurs radicalisent le mouvement Femmes, Vie, Liberté. Cependant, le pouvoir libérateur des masses dépend de leur profonde conscience pour leurs intérêts de classe. Nous avons le devoir d'exposer les aspects divers et variés des injustices judiciaires et culturelles systémiques afin de montrer les dimensions de classe des luttes de rue des femmes, des hommes et des jeunes. Nous devons exposer le lien organique entre le mouvement Femmes, Vie, Liberté et les luttes des travailleurs!

### Références:

1. <https://twitter.com/Meytham5/status/1493190337757601793>
2. <https://ir.voanews.com/a/iran-worker-karim-siahi/6434171.html>
3. <https://twitter.com/meytham5/status/1406537761855844354>
4. Union (syndicat) libre des travailleurs iraniens:  
<https://www.facebook.com/watch/?v=205644273870957>
5. Union (syndicat) libre des travailleurs iraniens:  
<https://www.facebook.com/watch/?v=946541319246536>
6. Canal du Conseil de coordination des syndicats d'enseignants iraniens:  
<https://t.me/kashowra/3155>

